

قتل عام مردم بدست رژیم غنی کرزی ، به بهانهٔ انتحاروانفجار ؟



نویسنده : دکتر بصیر کامجو

اجرای برنامه های انتحاری یا خودکشی در افغانستان بوسیلهٔ عمال رژیم اشرف غنی - کرزی ، یکی از اساسی ترین راهکار پنهانی این جانیان ، جهت استقرار حاکمیت شؤنوزیم قبیله افغان ، می باشد.

چون این رژیم بد سرشت از شکم سیه بخت نهاد های سرمایه خونخوار جهانی به قابله گری آمریکا تولد داده شده ، و مشروعیت سیاسی خود را نیز از طریق برگه رای و انتخابات آزاد و سری بدست نه آورده ؛ بلکه در زیر سایه قدرت لشکری آمریکا ایجاد گردیده و جبراً بالای گرده های مردم ایستاده - جنایت می کنند. و مسئولیت و جوابدهی نه به مردم دارند و نه به مجلس نمایندگان منتخب . بلکه خویشان را تنهاوتنها مسئول و جوابده به آمریکا و نهادهای بین المللی سرمایه می دانند.

مردم آگاه اند که رژیم های حاکمیت خودکامه و واپسگرای قبیله افغان برحسب سرشتش ، در همه برهه های تاریخی و در هر شکل سیاسی ای که چهره بدل کرده ، همیشه مستعمره و وابسته به کشور های بیگانه بوده است.

اگر رژیم شاهی بوده یا دموکرات خلقی ، اگر رژیم طالبی بوده یا ازهم دررفته حامد کرزی - اشرف غنی ، همه ای این رژیمها بدون تفاوت ، دست نشاندۀ اجنبی بوده هستند . وبدور از آرمان و اراده مردم به زندگی بی وقار ، سبکسرانه و مزدورانه خود ادامه داده و باترویج اندیشه های قرون وسطایی ، کشور را بسوی تباهی ، بیسوادی ، بیکاری ، فقر ، گرسنگی و چندگانگی قومی سوق داده ، وبا انجام راهکار های قتل و غارت ، خشم و خشونت حاکمیت سیاسی قبیله بی خویش را بالای مردم ، قهراً قبولانده اند.

تاریخ شاهد است که ! استقرار و نگهداری حاکمیت سیاسی قبیله افغان ، تنها از راه تداوم جنگ و خونریزی امکان پذیر گردیده است. ورهبران پشتون - افغان با استفاده از گزینه جنگ ، وحشت و خون ریزی در خدمت بیگانگان - سود برده اند . وتوانسته اند که با اعمال جنایات ددمنشانه علیه مردم ، جلوی تأمین امنیت و قانونیت را در کشور ما بگیرند.

به این نیت بوده هست که همه ای رژیم های مستبد قبیله افغان - همیشه از نهادینه شدن آزادی بیان و رسانه ها ، از همبستگی ملی ، از تقویه زبان فارسی منحصیث زبان تفاهم ملی ، از ایجاد زیرساخت های جامعه مدنی ، از تکامل و پیشرفت علم و معرفت نوین در کشور ، از تعادل حقوق شهروندی ، از همسنخی مرد وزن ، از هر آنچه که منجر به آوردن خوشبختی و آرامی و فرهنگ به مردم بشود ، در هراس اند .

اگر رهبران حاکمیت قبیله افغان از منافع قومی و تباری خود بدور شوند . و به منافع کل کشور اندیشه نمایند ، و بخواهند امنیت و آزادی ، همبستگی و عدالت اجتماعی در کشور نهادینه گردد . باید از پیشبرد سیاست حذف فزیک و سیاسی رهبران و شهروندان غیر پشتون برآستی دست بردارند . وبرنامه نابودی واقعی گروه های دهشت افکن طالبان ، گلبدین وشبکه حقانی راعمالاً سردست گیرند .

و به روند صلح و آزادی و عدالت اجتماعی تسلیم شوند. و جامعه را بسوی آزادی ، همبستگی ، عدالت اجتماعی و صلح سوق و رهبری نمایند . و از دورغ گفتن و فریب دادن خود و مردم دست بردارند .

اما دردا که این آرزوهای انسانی مردم ما ، بامنافع قومی و اتنیکی کوتاه مدت رهبران پشتون افغان سازگاری ندارد . و در مقابل همه بدون تفاوت بر استمرار و استقرار حاکمیت سیاسی قبیله وابسته به بیگانگان از راه اعمل زور و جنگ و جنایت ، پافشاری می کنند.

نخست - نقش پروژه طالبان در تداوم جنگ و نگهداری حاکمیت سیاسی قبیله افغان

فرآیند تجدید و تسلیح گروه جانی طالبان بوسیله حامد کرزی و اشرف غنی و خلیل زاد و ظاهر شاه پیچانیده به اهداف سیاسی زیر ، صورت گرفته است.

مرام و زایش دوباره گروه طالبان مسلح پشتون که در این اواخر اسم دومی اش داعش گذاشته شده ، در این سخن نهفته است که این گروه غیر متمدن ، یک پروژه سیاسی و نظامی آشکاریست که جز اساسی قدرت دفاعی و رزمی حاکمیت دولت پشتونی در افغانستان می باشد .

و هر روزه این گروه خونخوار ، در زیر فرمان مشترک رژیم غنی - کرزی و نهاد های ویژه سرمایه جهانی در رأس آمریکا و انگلیس ، برای قتل و کشتار مردم بومی این سرزمین و تحقق راهبردی سیاست پشتونیزه سازی قدرت و حاکمیت سیاسی ، آماده خدمت می باشند.

– از سوی دیگر تقویه و تسلیح نیروهای طالبی به منزله منبع جنگ و خشونت رویکردیست برای باقیماندن نیروهای رزمی آمریکا و انگلیس در کشور دردمند ما افغانستان .

– طالبان بمثابة نیروی آماده باش رژیم پشتونی افغانی – برای اجرای قتل های دسته جمعی و انفرادی هزاره ها و تاجیکها و ازبکها در سراسر کشور ، چه در رده های ارتشی و چه در ملکی می باشند .

– طالبان منحصیث نیروی های مسلح ذخیره ای آماده باش به روز مبادا ! روزی که اگر باشد رژیم وابسته پشتونی افغانی خودکامه اشرف غنی – کرزی ، دارد که بوسیله نیروهای بومی و غیر پشتون ، سرنگون می گردد. در آنصورت گروه طالبان همچون وسیله فشار بالای نیروهای غیر پشتون – در دفاع از حاکمیت سیاسی پشتونی غنی – کرزی آماده خدمت بوده ، مانند سالهای گذشته و به کمک مستقیم پاکستانی ها و نهاد های ذیدخل بین المللی ، بار دیگر بتوانند در استقرار حاکمیت سیاسی شئونیزم قبیله افغان ، و تأمین منافع نهاد های سرمایه جهانی در افغانستان، رسالت اجبرانه خود را انجام بدهند.

دوم – وظایف اقتصادی پروژه طالبان

– وظیفه اساسی دیگر طالبان نگهداری و اداره مستقیم تولید و ترافیک کشت خشخاش باتبانی رهبران پشتون و آمریکایی ها و انگلیسها در استان های جنوب ، جنوب غرب و جنوب شرق کشور .

– مسئولیت دیگر طالبان عبارت از استخراج غیرقانونی معادن در کشور و بویژه در استان بدخشان ... و بهره برداری حاصلات زراعتی از جمله : پسته استان بادغیس و زعفران استان هرات ... و سایر منابع سرشار این سرزمین – با ساخت و پاخت رهبران دولتی پشتون و نهاد های خارجی سرمایه جهانی .

– اشرف غنی بقول خانواده ات شما از قوم احمدزی کوچی هستید. و با افتخار خویش را شهروند این کشور قلمداد می کنید . اما در راستی مسئله ، از نگاه فزیک می توان گفت که در این کشور زندگی دارید . اما در واقعیت امر ، از دید احساس اخلاقی و روانی و وجدانی ، جناب شما و همکاران طالب ات را شهروندان واقعی این سرزمین نمیدانید و نمی پندارید.

زیرا اگر شماها در پندار و کردار ، خویشان را شهروندان حقوق برابر این کشوری دانستید ، سرزمین و مردم آن را دوست می داشتید . به ساکنین آن همچون وجود تنی ، دل تان می سوخت. با احساس مهرورزی به زندگی و سرنوشت اولاده این کشور ، به آرزوی خواهران و مادران این میهن می اندیشیدید .

بر خلاف و بدبختانه ! شما و همکاران خون آشام شما همچو مهاجم – شب و روز چه در جبهه نبرد و چه در کوچه و شهر و بازار ، چپ و راست آدم می گشید . زن و مرد ، پیر و جوان و کودکان را گردن می برید . با این کار و حشیانه که ویژه حیوانات وحش است. همکاران آدم کُش خودت بنام طالبان به اثبات رسانده اند که چند صد سال دیگر این جانیان وحشی مشرب نیازمند آموزش و پرورش برای تکامل و تغییر اندیشه و کسب احساس ، از مرتبه جانوران بیابانی به مرتبه انسانیت دارند. که تابوتانند شهروند پایبند این سرزمین بشوند . و در پرورش و آمیزش با انسانهای متمدن به حیات خوشبخت و پرافتخار نائل آیند .

قابل تذکر است که انگیزه وحشی گری طالبان و برخی از رهبران افغان هم ناشی از کارهای سیاسی نابخردانه ملامت و گلبدین ، کرزی و اشرف غنی می باشد . که نسل جوان پشتون را از فرهنگ باستانی چند هزار ساله مهرورزی و انسان گرای زبان فارسی دور ساختید . و با این کار خائنیانه پشتونها را از مسیر دانش و معرفت بسمت خشونت و وحشت و بیسوادی سوق دادید . این بزرگترین خیانتی است که شما چهار نفر قدرت طلب و مزدور در حق مردم شریف و بیچاره پشتون تا کنون روا داشته اید .

اشرف غنی راستش خودت هم بهتر از طالبان نیستی ، همین جانیان و وحشیان طالب را تو بودی که از حبس رها کردی و حامد کرزی با ممکنه های مادی از پولهای باد آورده ، آنها را تادندان مسلح ساخت. اکنون این گروه خشونت پیشه در دفاع از ساختار حاکمیت درنده خوبی شوونیزم قبیله افغان ، آماده قتل ، کشتار ، انتحار و انفجار اند.

اشرف غنی مدیر برنامه ریزی انشقاق قومی و چندگانگی ملی ، شما همچو اجدادت شاه شجاع ، امیر دوست محمد خان ، یعقوب خان ، امیر عبدالرحمان ، حبیب الله خان ، امان الله خان ، نادر خان ، تره کی ، کرزی در مقابل قدرت و حاکمیت خیلی ناتوان و تسلیم شونده هستید. شما مهر و عشق خونی به این میهن و به مردم این میهن ندارید . بلکه تمام عشق شما به قدرت ، مادیت و جنایت ، خاکفروشی و وابستگی ، در آمیخته است .

بگونه نمونه : بتاريخ 29 سپتامبر 2014 میلادی هنگامی که شما را وزیر خارجه آمریکا به اصطلاح به حیث رئیس جمهوری دست نشاندۀ افغانستان اعلام کرد. و خود هم می دانستی که در انتخابات دور دوم ، شما زیاده از 30 درصد آرای مردم را باخود نداشتید. اما آمریکا شما را بدور از همه موازین پسندیده شده قوانین بین المللی ، برنده انتخابات خواند .

چرا ؟ زیرا شخص شما را مناسب ترین فردی بی احساس ، بی اراده و بی خاصیت برای اجرای برنامه های بزرگ استعمار نوین نهادهای سرمایه ، در افغانستان تشخیص داده بودند . که جناب شما خیلی به قدرت ، مادیت ، جنایت و وطنفروشی تمایل تیره ذاتی دارید . همین تمایل شدید شما به قدرت بود که بدون تأخیر بتاريخ 30 سپتامبر 2014 م. موافقتنامه شرم آور خاکفروشی میراثی ات را با جیمز کانینگهام سفیر آمریکا در کابل و موریس یوخمس نماینده ویژه غیر نظامی ناتو در کابل به امضا رسانیدید. که براساس این موافقتنامه ، آبرو آزادی و استقلال کشور ما را خشنودانه به آمریکا و اروپا بفروختید.

مفهوم این موافقتنامه برای آمریکا نگاه داشتن شعله جنگ جهت باقی ماندن نیرو های رزمی آمریکا در افغانستان و بهره برداری همه جانبه این کشور از خاک بی صاحب بنام " افغانستان " است. اما برای شما چندتا خاکفروشان قرن بیست و یکم ، تنها رسیدن بقدرت و مادیت چیز دیگری را افاده کرده نمی تواند.

اگر شما رهبران تفوق خواه به ارزشهای آزادی و سربلندی راستین میهن رو بیاورید . به استقلال و خودفرمانی ملی کشور مشترک مان ارج بگذارید . و حق متعادل مشارکت در حاکمیت سیاسی و حق متعادل ملکیت بر زمین را منحیث حقوق حقه شهروندی برسمیت بشناسید . و به صلح و همبستگی تمکین بگذارید . و به نیروی سازنده این کشور پشتگر می داشته باشید . به ارزشهای فرهنگی و زبانی زبان فارسی و به درک و فهم و دانش نسل نوپای روشنفکری باورمند باشید . و از تمام خواسته های واپسگرایانه و کوچی گری قرون وسطایی شرم آورتان دست بشوئید . و به جهان هستی با نگرش نوین و عقلانی امروز نگاه کنید . و در یک کلمه انسان را دوست داشته باشید - بدور از وابستگی های خونی به کرامت ذاتی انسان احترام و ارج بگذارید.

در آنصورت ما نیازی به وجود بیگانه ها نداریم . با آرمان و اندیشه و کار مشترک بسوی همآیسی ملی به پیش می رویم . و با افتخار میتوان گفت که میهن ما دارنده نیروی انسانی سرشار ، منابع زیرزمینی و سرزمینی سرشار ، مانند لیتیم ، الماس ، طلا ، نقره ، مس ، آهن ، بیروج ، زمرد ، لاجورد و ده ها قلم برجسته دیگر مواد معدنی و ذخایر طبیعی دارد . با این خزانه ای خدا داد طبیعی و اجتماعی که در زیر زمین میهن ما خوابیده ایستاده است ، میتوانیم با دستان خود زندگی خوشبختی را در کشور خود مان آباد و ایجاد نمائیم .

سوم - تعهدات اخلاقی رژیم غنی

باتأسف و درد که این رژیم خودکامه ، زشت و بدنیت ، نه پیمان دارد ، نه قول و قرار. مسئولیت اساسی اش تنها بقاء خودش از راه شعله و رنگهداشتن آتش و جنگ درکشور و تأمین منافع و لینعمتان ایشان میباشد و بس.

به این مناسبت ارزشهای را که مردم از رژیم کنونی چشم براه بودند و هستند . و این رژیم مکلفیت داشت که آن ارزشها هارا در قدم های نخستین روزهای کاری اش عملی کند و آن تطبیق متن کامل توافقنامه دولت وحدت ملی بود. که بخشی ازین متن بقرار ذیل است .:

الف - برگزاری لویه جرگه به منظور تعدیل قانون اساسی و بررسی طرح ایجاد پست صدراعظم اجرایی

1 - بر اساس ماده دوم اعلامیه مشترک مورخ 11 اسد (تشکیل لویه جرگه در مدت دو سال تا پست صدر اعظم اجرایی را مورد مذاقه قرار دهد)، رئیس جمهور متعهد است تا لویه جرگه را به منظور بحث روی تعدیل قانون اساسی و ایجاد پست صدر اعظم اجرایی دایر نماید.

2 - به تأسی از حکم ماده 121 قانون اساسی، حکومت وحدت ملی متعهد است تا بر اساس قانون و به منظور تکمیل نصاب لویه جرگه، مطابق بند 4 ماده 111 قانون اساسی، در زودترین فرصت ممکن انتخابات شوراهای ولسوالیها (شهرستانها) را برگزار کند.

3 - حکومت وحدت ملی متعهد است تا قانون تشکیلات اساسی دولت را تصویب و نافذ کرده مرزها و حدود واحدهای اداری محلی را از مجاری قانونی تعیین نماید.

4 - رییس جمهور، بعد از انجام مراسم تحلیف با مشورت رئیس اجرایی، طی فرمانی کمیسیون را به منظور تهیه پیش نویس تعدیل قانون اساسی تشکیل می دهد.

5 - حکومت وحدت ملی متعهد است روند توزیع شناسنامه الکترونیکی/ کامپیوتری را برای تمام شهروندان کشور در کمترین زمان ممکن تکمیل کند.

6 - اصلاحات در نظام انتخاباتی باید قبل از برگزاری انتخابات پارلمانی صورت گیرد.

دیدیم که این رژیم تاکنون باسپری شدن سه سال و اندی، هیچ ماده از مفردات موافقتنامه حکومت وحدت ملی را بنفع خود فرمانی ملی و بالندگی کشور عملی نکرده است . چه رسد به کارهای خیلی بزرگ ملی که ذکر آنهمه از دل و رس این نوشته بدور است.

بالاحترام

سپتامبر 2017 میلادی